

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: النا پوستاویتووا\*(ELENA PUSTOVOYTOVA)

برگردان: ا. م. شیری

۲۸ جنوری ۲۰۲۴

## جنگ برای منافع اسرائیل- چرا واشنگتن به یمن نیاز دارد؟



### قالب‌های جدید بردگی استعماری در خاورمیانه آزمایش می‌شود

سنتکام (فرماندهی مرکزی امریکا) اعلام کرد چهارشنبه گذشته، امریکائی‌ها به حملات جدیدی علیه حوثی‌های یمن دست زدند و دو راکت ضد کشتی «آماده پرتاب» یمنی‌ها را منهدم کردند. اگر یانکی‌ها بتوانند چنین راکت‌هایی را در قلمرو تحت نظارت حوثی‌ها شناسایی کنند و تشخیص دهند که این راکت‌ها کشتی‌های تجاری و جنگی امریکائی را تهدید می‌کنند و آن‌ها را «با هدف دفاع از خود» منهدم کنند، یعنی این که بر این کشور اشراف کامل دارند و نیروهای مسلح امریکا کاملاً آماده حمله به این منطقه هستند.

امریکا در اینجا نیرو و ابزار کافی دارد. ناوگان پنجم که در منامه، پایتخت بحرین مستقر است، به پایگاه اصلی آزمایش و استفاده از تجهیزات مستقل بحری، هواپیماهای بدون سرنشین، تلفیق آن‌ها در یک دستگاه کنترل رزمی واحد با بهره‌گیری از الگوریتم‌های هوش مصنوعی - ۷ هزار پرسنل نظامی ایالات متحده، ۵ ناوشکن و حدود ۱۰ قایق نظامی تبدیل شده است. امارات ۵۰۰۰ نظامی و ۱۶ اسکادران نیروی هوایی امریکائی را در پایگاه هوایی الظفره در جنوب

ابوظبی در خود جای داده است. ضمناً بحرین و امارات نیز شرکای اسرائیل هستند. در اردن ۳ هزار پرسنل نظامی امریکا و در پایگاه هوایی السلطی در بخش مرکزی این کشور، ۱۲ هواپیمای اف-۱۶ و سه اسکادران جنگنده تمام عیار در آن مستقر است. در قطر ۱۳ هزار نظامی و مقر فرماندهی مرکزی امریکا در خلیج فارس در پایگاه هوایی العدید قرار دارد. علاوه بر این‌ها، پایگاه السیلیه، بزرگترین پایگاه ارتش امریکا در جهان، قادر است بیش از ۱۵۰ تانک ام-۱ ابرامز، ۱۱۶ خودروی جنگی برادلی، ۱۱۲ نفربر زرهی و دیگر وسایل و تجهیزات را در خود ذخیره کند. در کویت، در سه پایگاه امریکائی «بوهرینگ»، «میهن‌پرستان» و «سر نیزه» ۱۳ هزار نیروی مسلح امریکائی وجود دارد. پایگاه عریفجان نیز واحدهای نیروی هوایی، بحری، تفنگداران بحری و گارد ساحلی امریکا را در خود جای داده است. در عمان ۶۰۰ سرباز حضور دارد و پایگاه‌های هوایی در شهر تومریت و جزیره مصیره به نیروی بحری امریکا اجاره داده شده است. در عربستان سعودی ۳ هزار پرسنل نظامی، سه پایگاه هوایی و یک پایگاه بحری در جده واقع است، در عراق ۲۵۰۰ نفر تحت پوشش دیپلومات، حدود هزار پرسنل نظامی و ۹ پایگاه نظامی، در سوریه در استان‌های نفت‌خیز دیرالزور و حسکه و در نهایت، در ترکیه ۵ هزار نظامی امریکائی حضور و وجود دارد.

اگر این «جغرافیا» را در تمام نقشه خاورمیانه علامت‌گذاری کنیم، معلوم می‌شود که در کل جزیره العرب عرب تنها یک «گوشه» آزاد از حضور امریکا وجود دارد - یمن. چرا واشینگتن با داشتن ارتش ۵۰ هزار نفری و مجهز به انواع تسلیحات پیشرفته، هنوز این کشور را به یک صحرای شنی بزرگ به نام ربع‌الخالی تبدیل نکرده است؟ نه تنها به دلیل ترس بعد از هجوم به عراق، افغانستان و سوریه، بلکه به این دلیل که در یمن امروز حوثی‌ها دست بالا را دارند. حوثی‌ها نیروی اصلی طرفدار ایران، یعنی شیعه در جزیره العرب عرب، زادگاه اسلام سنی هستند. هیچ جنگی وحشتناکتر از جنگ مذهبی نیست و این تقسیم اسلام به مذاهب مختلف در طول تقریباً پانزده قرن نه تنها برای ایرانیان و اعراب، بلکه برای همه پیروان یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفری اسلام در جهان امروز، به یک فاجعه هولناک تبدیل شده است.

پس چه عاملی اکنون بایدن را به جنگ در بحیره سرخ علیه یمن، علیه یک کشور فقیر که در اثر نزدیک به یک دهه جنگ با سعودی‌ها ویران شده، وادار می‌کند؟

بی‌دلیل نیست که حوثی‌ها اربابان تنگه باب‌المنذب محل عبور حدود ۱۲ درصد تجارت جهانی، از جمله حدود ۲۰ درصد تردد کانتینری بین‌المللی محسوب می‌شوند. تقریباً ۱۰ درصد تجارت جهانی نفت و ۸ درصد گاز طبیعی مایع را به این موارد اضافه کنید. حوثی‌ها با قفل کردن باب‌المنذب، کانال سوئز در شمال بحیره سرخ را نیز مسدود کرده‌اند.

پیشینه آن کاملاً روشن است. حوثی‌ها برای حمایت از فلسطینیان در نوار غزه، در اواسط نومبر به کشتی‌های مرتبط با اسرائیل در بحیره سرخ حمله کردند که این، باعث کاهش شدید تردد کشتی‌ها از طریق کانال سوئز گردید. امریکا نیز به نوبه خود همراه با ده کشور دیگر آغاز عملیات حفاظت از کشتیرانی را اعلام کرد. گروه شبه‌نظامی حوثی انصارالله هشدار داد که حق حمله به کشتی‌های اعضای این ائتلاف را برای خود محفوظ می‌دارد. در ۱۲ جنوری، امریکائی‌ها و انگلیس‌ها به اهداف حوثی‌ها در چهار استان یمن حمله هوایی کردند. در اثر حمله راکتی تلافی‌جویانه شیعیان، یک ناو جنگی امریکائی در بحیره سرخ غرق شد. در هفته گذشته، ایالات متحده ۵ حمله هوایی بزرگ علیه مواضع حوثی‌ها در سرزمین اصلی انجام داد و آن‌ها نیز در پاسخ به ۴ کشتی تجاری در این تنگه حمله کردند. این یک ماشین رزمی بسیار خوب سازماندهی شده، با انگیزه و آبدیده در جنگ سخت است که زمین را خوب می‌شناسد و درک دقیقی از این دارد که امریکا ترجیح می‌دهد چگونه بجنگد. زرادخانه راکتی گسترده حوثی‌ها نشان از تمرکز بلندمدت و مستقیم ایران بر تقویت قابلیت‌های ضد کشتی آن‌ها و تلاش برای انتقال الگوی قدرت بحری ایران از خلیج فارس و تنگه هرمز به

منطقه ژئوپلیتیک بحیره سرخ و تنگه باب‌المنذب دارد. اگر امریکا و متحدانش نتوانستند طالبان را در افغانستان شکست دهند، پس معیار محاسبات آن‌ها در یمن چه بوده است؟

هفته پیش، دولت بایدن، حوثی‌ها را به عنوان «گروه تروریستی جهانی» خواند و در را به روی تحریم‌های گسترده‌تر و بیشتر باز کرد. علاوه بر این، این درگیری در آستانه تبدیل شدن به یک جنگ نیابتی غیرقابل پیش‌بینی غرب و اسرائیل علیه ایران و متحدانش مانند حزب‌الله و حماس در لبنان و غزه است. آیا روسیه، کوریای دموکراتیک و احتمالاً چین در این مورد از آن‌ها حمایت خواهند کرد یا خیر – پاسخ معلوم است.

شکی در این نیست که در پشت این وقایع، قبل از هر چیز، «پوشش عمیق اقتصادی» نهفته است. بدیهی است که مجتمع نظامی-صنعتی امریکا اکنون تضمین‌های محکمی برای افزایش سفارشات تسلیحاتی دریافت کرده است. دقیقاً به همین دلیل است که واشینگتن اوکراین، افغانستان، سوریه، عراق و یمن را به آتش کشیده و حالا تایوان، ایران و به دنبال آن‌ها، جمهوری‌های بالتیک و در نهایت چین را برای قربانی کردن منافع خود آماده می‌کند. بنابراین، دلرها برای افزایش تولید تسلیحات امریکائی هدر نخواهد رفت. به خصوص این که، سلاح‌های موجود در انبارها در اصل ضرر مستقیم هستند. باید شلیک شوند، بمباران کنند، منفجر شوند و غیره، یعنی باید از تحقق هدف مورد نظر در هنگام تولید آن‌ها اطمینان حاصل شود و تجارت مرگ تضمین گردد.

اما بخش عمیق‌تری در درگیری بحیره سرخ وجود دارد که به آن اهمیت بیشتری می‌دهد. **حوثی‌های یمن به خط گسل دیگری در میان شرق و غرب تبدیل شده‌اند.** در پاسخ به تجاوزات امریکا و حمایت آن از کشتار اعراب فلسطین به دست اسرائیل، ده‌ها، اگر نگوئیم صدها هزار داوطلب ممکن است از کشورهای عربی بخواهند با جمعیت غرب به خاطر نارضایتی‌های اخیر در غزه همسو شوند. چه کسی می‌تواند جلوی آن‌ها را بگیرد؟

بر اساس گزارش دفتر پردازش اطلاعات، امریکا با آغاز جنگ علیه یمن، تلاش خواهد کرد تا سلطه خود را در منطقه پیش از هر چیز مطابق با منافع ستراتیژیک اسرائیل تثبیت کند. در عین حال، این نشریه معتقد است که اهداف ستراتیژیک دیرینه واشینگتن به شرح زیر است: حذف حوثی‌ها، تنها متحد ایران در جزیره‌العرب، به دست گرفتن کنترل مهم‌ترین مسیرهای بحری در بحیره سرخ، در صورت ورود به جنگ با ایران و اختلال کشتیرانی در تنگه هرمز، ساخت یک خط لوله نفت از طریق یمن! یک مورد جدید دیگر نیز به آن‌ها اضافه می‌شود: حالا که اسرائیل عملیات پاکسازی قومی فلسطینی‌ها را شروع کرده، امریکا تلاش خواهد کرد بدون پرهیز از درگیری مستقیم با هر ارتش، هر گروه شبه‌نظامی مردمی در منطقه که برای جلوگیری از جنایات اسرائیل تلاش کند، جاهطلبی‌های ارضی تل ابیب را به هر قیمتی تضمین نماید.

در این صورت، باید به وضوح متوجه شد که هدف از آغاز جنگ، فقط گسترش ساده قلمرو اسرائیل نیست، بلکه، تلاشی است برای تثبیت رژیم صهیونیستی اسرائیل به عنوان قدرت مسلط در خاورمیانه و تحکیم موقعیت هژمونیک امریکا در منطقه از طریق آن.

نسل‌کشی در غزه تنها بخشی از ستراتیژی جنگ گسترده واشینگتن برای اعمال حق فرماندهی بر یمنی‌ها است. اما هدف اصلی امروز در این منطقه ایران است که از دیرباز برج‌های دیوار بزرگ چین در پشت آن نمایان است. به گونه‌ای که اگر بایدن نه، جانشین او در امریکا باید به پای آن بیفتد.

پنتاگون چنین جنگی را نه تنها از چندین دهه پیش برنامه‌ریزی کرده، بلکه نیت ستراتیژیک آن هرگز برای بقیه جهان حیاتی‌تر از امروز نبوده است. ایران در مقابل سلطه امریکا بر منطقه اصلی صادرکننده نفت جهان و موقعیت منحصر به فرد قدرت ژئوپلیتیک واشینگتن در سراسر اوراسیا، آفریقا و هندوچین مشکل جدی ایجاد کرده است. سیاستمداران،

ایدئولوژیگها و اقتصاددانان امریکائی اکنون دیوانهوار روی متعادل کردن کاهش قدرت اقتصادی خود از طریق جنگ و غارت منابع دیگران به شکل جدیدی از بردگی استعماری کار می‌کنند. و یمن بخش کوچک، اما مهمی از ستراتیژی کلی امریکائی‌ها است.

شب ۲۴ جنوری، حوثی‌ها آغاز محاصره بحری اسرائیل از شمال، از بحیره مدیترانه را اعلام کردند. اگر سخنان آنها منطبق با کردارشان باشد، هیچ اسکادران اروپائی برای محافظت از کشتی‌های تجاری غربی کافی نخواهد بود. خطر جنگ در خاورمیانه رو به افزایش است.

مأخوذ از: بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۷ بهمن- دلو ۱۴۰۲

\* - عضو کانون نویسندگان روسیه، روزنامه‌نگار